

تحلیل و بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی حضور گردشگران غیر مسلمان در ایران

عبدالله زندی‌فر

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

محمد روحانی مقدم^۱

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

مریم آقایی بجستانی

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۴

چکیده

گردشگری یکی از مهم‌ترین پدیده‌های در حال گسترش جهان به شمار می‌رود که دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... است. اما موضوعی که به نوعی چالش اصلی در این حوزه به شمار می‌رود تحلیل صرفاً اقتصادی از گردشگری و نادیده گرفته شدن ابعاد فرهنگی، حقوقی و اجتماعی آن است. بی‌شک برای کشوری همچون ایران با چارچوب‌های فرهنگی و حقوقی برجسته مبتنی بر دین اسلام و مذهب تشیع چالش‌های اصلی حوزه گردشگری، فقهی حقوقی هستند. با توجه به این مهم هدف اصلی این مقاله تحلیل و بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی حضور گردشگران غیر مسلمان در ایران است. سوال اصلی مقاله این است که مهم‌ترین چالش‌های فقهی و حقوقی ورود گردشگران غیر مسلمان به ایران کدام‌اند؟ فرضیه‌ای را که برای پاسخ-گویی به این سوال اصلی در صدد تحلیل آن هستیم این است که به نظر می‌رسد غیرمسلمانان گردشگر در ایران، ملزم به رعایت صد در صد قوانین و آداب و رسوم مسلمین نیستند اما رفتار آنان در جامعه اسلامی نباید موجب تظاهر به فسق شود. در مورد حجاب زنان غیرمسلمان که برای گردشگری به کشور اسلامی آمده‌اند اصولاً و به عنوان حکم اولیه منعی وجود ندارد اما چنانچه بنا به تشخیص حاکم مسلمین این مسأله موجب گسترش فساد و بی‌بندوباری در جامعه اسلامی گردد، به خاطر مصلحت و به عنوان حکم ثانوی، می‌توان برای زنان گردشگر محدودیت حجاب قایل شد. روش این مقاله توصیفی تحلیلی است که در آن سعی می‌شود با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیز مقالات علمی پژوهشی به تحلیل و تبیین موضوع پرداخته شود.

واژگان کلیدی: گردشگری، فقه اسلامی، گردشگران غیر مسلمان، چالش‌های فقهی و حقوقی.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که امروزه اهمیت بسیار دارد، موضوع گردشگری یا توریسم است. می‌توان گفت گردشگر، در معنای وسیع فردی است که حداقل یک شبانه‌روز خارج از منزل و اقامتگاه خود زندگی کند. ماده یک قانون توسعه صنعت جهانگردی ایران، مصوب ۱۳۷۰، در تعریف ایران‌گردی و جهانگردی مقرر می‌دارد: «منظور از ایران‌گردی و جهانگردی عبارت است از هر نوع مسافرت انفرادی یا گروهی که بیش از ۲۴ ساعت بوده و به منظور کسب و کار نباشد.» تألیف سفرنامه‌ها به زبان‌های مختلف حاکی از اهمیت گردشگری است. در ایران قدیم به مسافران و گردشگران احترام خاصی می‌گذاشتند (Jafari Samimi & khebreh, 2013). راه شاهی به طول ۲۵۰۰ کیلومتر و احداث کاروانسراها و چاپارخانه‌های بین راه و پل‌ها از مهم‌ترین اقدامات هخامنشیان بود که گردشگری را آسان می‌کرد. هرودوت (جهانگرد و مورخ مشهور یونانی) از آن راه عبور کرده است. در دوران اشکانیان نیز احداث جاده ابریشم از چین تا مدیترانه که از فلات ایران عبور می‌کرد، به این امر کمک فراوانی کرد (Papelli Yazdi and Sagha'i, 2006). اسلام نیز با توصیه به مهمان‌نوازی و به خصوص غریب‌نوازی و توصیه‌های اکید قرآن و سایر منابع اسلامی بر سیر و سفر و تفکر در آفرینش، بر اهمیت این موضوع افزوده است. آمیزش این توصیه‌ها با فرهنگ لطیف و مهمان‌نواز ایرانی باعث گردیده که از گذشته‌های دور تاکنون ایران به بهترین و امن‌ترین مکان برای گردشگران تبدیل گردد که این امر در سفرنامه‌های گردشگران غربی کاملاً مشهود است. سیر و سفر از جمله موضوعاتی است که مورد توصیه و تأکید قرآن مجید قرار گرفته است. قرآن مجید در هفت مورد با حالت استفهام انکاری (اولم یسیروا - افلم یسیروا) سؤال می‌کند که چرا در زمین سیر نمی‌کنید. در شش مورد نیز خطاب امری است و دستور می‌دهد که در زمین سیر کنید (سیروا) (Savagheb and Rahmani, 2006). گرچه اهداف سیر و سفر و گردشگری متعدد و متنوع است، بررسی کوتاه و اجمالی نشان می‌دهد که موارد ذکر شده در قرآن همه با اهداف فرهنگی توأم است. قرآن در یازده مورد هدف این کار را تعمق و اندیشیدن در عاقبت و احوال گذشتگان دانسته که در چهار مورد از آن‌ها نگرش در احوال گذشتگان دروغ‌گو و مجرم مورد تأکید قرار گرفته است و شش مورد باقی مانده به نگرش و اندیشه در چگونگی پیدایش خلقت و شکوفایی عقل و دل اختصاص دارد. بدیهی است که در سیر و سفر به خصوص به نقاط مختلف دنیا انسان با مشاهده موجودات بی‌ظنیر الهی مانند حیوانات، بیابان‌ها، جنگل‌ها، کوه‌ها، اقیانوس‌ها، شهرها و انسان‌های مختلف که در نژاد و رنگ، فرهنگ و رسوم، دین و آیین، خلق و خو و... با یکدیگر اختلاف دارند، خدا را که خالق همه موجودات است بالعیان مشاهده می‌کند و دست از خرافه‌پرستی و بی‌ایمانی برمی‌دارد. به همین دلیل این موضوع مورد توصیه و تأکید اسلام قرار گرفته است (Tonekaboni and Hadith, 1998). شایان ذکر است که در بررسی موضوع حقوق گردشگران از دیدگاه منابع اسلامی، مبانی و اصول حقوق گردشگران از دیدگاه اسلام را بررسی می‌کنیم و به دنبال آن حقوق آنان را از نظرگاه اسلام و با توجه به مبانی اسلام و قوانین موجود مورد دقت و کاوش قرار می‌دهیم. و می‌توان چنین تحلیل کرد که گردشگران در کشور اسلامی مثل ایران همانند دیگر افراد از حقوقی برخوردارند و هرگونه تعرض به حقوق آنان ممنوع است (Ranjbarian and Zahedi, 2007). البته بدیهی است که هیچ قانون و شریعتی همه حقوقی را که برای تبعه به رسمیت می‌شناسد برای گردشگران به رسمیت نمی‌شناسد؛ چرا که اولاً: گردشگر رهگذری است که مدت کوتاهی در کشور اقامت دارد و

نیازی به آن حقوق ندارد. ثانیاً: اعطای همه آن حقوق وظایفی را نیز به دنبال دارد که وی از عهده آن‌ها بر نمی‌آید. ثالثاً: اعطای همه آن حقوق به گردشگران به مصلحت جامعه نیست و چه بسا مفاسدی را به همراه دارد. پس باید گفت حقوقی که لازمه اقامت بسیار کوتاه در کشور است باید برای گردشگران به رسمیت شناخته شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: حق امنیت، حق ورود، اقامت و خروج آزاد، حق احترام و برخی حقوق دیگر، و یکی از بهترین راه‌هایی که امروزه برای دعوت غیرمسلمانان به ایران اسلامی و آشنایی سایر مسلمانان با اسلام ناب وجود دارد، جلب گردشگران و پذیرایی از آنان است، تا غیرمسلمانان از نزدیک و بدون واسطه با تعالیم اسلام و رفتار مسلمانان آشنا شوند و به اسلام بگروند. جهانگردی صادرات نامرئی خدمات و محصولات است. مثلاً هزینه‌هایی که یک جهانگرد در سرزمین دیگر مصرف می‌کند هزینه غذایی تفریحات، مسکن، حمل و نقل، خرید هدایا، کالاهای بومی که ارزی است (Rahnamaei, 2011). جهانگردی فرآیندی است که سایر بخش‌های اقتصادی دیگر را فعال می‌کند. توسعه جهانگردی سبب گسترش و توسعه جاده‌ها، فرودگاه‌ها، امکانات بندری، ترمیم بناهای تاریخی، تجارت و غیره شد. ایجاد فرصت‌های اشتغال به گونه‌ای که باید بگویم ایجاد هتل، مراکز جهانگردی سبب جذب کارکنان خدماتی، بهبود کیفیت فرآورده‌های صنعتی، غذایی، صنایع دستی. جهانگردی به عنوان یک عامل اقتصادی عمده و بسیار مؤثر در سال‌های اخیر مورد توجه فراوان قرار گرفته، از مزایایی که جهانگردی از نقطه نظر اقتصادی دارد، گستردگی زمینه اشتغال در آن است. به لحاظ خصوصیت ویژه جهانگردی که همانا مصرف و گردش پول است برای بسیاری از خدمات و کالاها ایجاد تقاضا می‌شود که همگی موجب پدید آمدن رشد متوازن در اقتصاد در اقصای کشور و پذیرایی جهانگرد است (Zahedi, 2006). رفت و آمد شهروندان کشورهای مختلف از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است و عدم توجه به این مسئله پیامدهای نامطلوبی خواهد داشت. دین اسلام گردشگری و آثار مثبت آن را مدنظر داشته است و از این رو آیات مختلفی از قرآن کریم و روایات مأثوره از ائمه معصومین (ع) با امر و تشویق به «سیر» و «سیاحت» و «سفر» ابعاد مادی و معنوی گردشگری را مورد توجه قرار داده‌اند. فقه اسلامی نیز با بهره‌گیری از قرآن و سنت و با امعان‌نظر به ضرورت و اهمیت مسئله گردشگری و جهانگردی برای ورود و حضور غیرمسلمانان در کشور اسلامی ضوابطی را متناسب با وضعیت آنان تعیین نموده است. در مورد چالش‌های فقهی حضور گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی مباحث متعددی قابل طرح است.

رویکرد نظری

صنعت گردشگری ابزار مهمی برای شناساندن فرهنگ و محصولات فرهنگی داخلی به جهانیان است. عاملی است که موجب انتقال این محصولات به جهانیان می‌شود. و در کنار آن به سودآوری اقتصادی منتهی می‌شود. در آستانه ورود به هزاره سوم، گردشگری به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی جهانی در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است (Pakzad, 1997). با وجود اهمیت فزاینده گردشگری، هنوز حدود قانونی مورد توافقی در سطح بین‌المللی در این زمینه به وجود نیامده است. در حقوق بین‌الملل در مورد آزادی مسافرت و پذیرش بیگانگان به کشور دو نوع طرز تلقی متفاوت وجود دارد، عده‌ای طرفدار لزوم اعمال محدودیت در پذیرش و عده‌ای دیگر نیز طرفدار آزادی بی‌قید و شرط بیگانگان در ورود به کشور می‌باشند (Zahedi, 2006). پس در مجموع در این باره دو نظریه وجود دارد:

الف- نظریه لزوم اعمال محدودیت در پذیرش بیگانگان کشور

پیروان این نظریه معتقد هستند که دولت‌ها در قبول یا عدم قبول ورود بیگانه به کشور آزادی مطلق دارند و این آزادی را می‌توان در مفهومی گسترده و نامحدود استفاده کرد. بنا به همین دیدگاه در صورتی که میان کشورها عهدنامه خاصی وجود نداشته باشد در پذیرش اتباع بیگانه به خاک خود مقید به کمترین تعهد و الزامی نخواهند بود- (Nasiri, 1973: 55).

ب- نظریه آزادی بی قید و شرط ورود بیگانگان به کشور

طرفداران این نظریه عقیده دارند که دولت نمی‌تواند بنا به میل خود مانع ورود و خروج یا اقامت اتباع در کشور شود. پیروان این نظریه ورود پیروان به خاک کشور دیگر را در چارچوب حقوق بین‌الملل، حقی برای آن کشور و یک تکلیف تلقی می‌کنند (Seifai, 2005).

حال با توجه به مطالب فوق باید دید که جایگاه گردشگران غیرمسلمان در کشورهای اسلامی چیست؟ و نحوه برخورد با آن‌ها باید به چه گونه باشد تا هم بتوان به نحو احسن فرهنگ دینی ملی خود را به آن‌ها معرفی کرد و هم اینکه آن‌ها را تحت فشار برای پیروی از بعضی اصول و مقررات قرار نداد؟

یکی از بخش‌های مهم صنعت گردشگری، هتلداری و خدمات مربوط به آن است که از دیرباز به اشکال مختلف در فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون مورد توجه بوده است. امروزه هتل‌ها و متل‌ها و استراحت گاه‌ها به ارائه خدمات گوناگون به مسافران می‌پردازند و با ایجاد مراکز خرید، سرگرمی، کلوب‌های بهداشتی و رستوران‌ها بسیاری از نیازهای مسافران را حین سفر ایشان فراهم می‌کنند. بنابراین یکی از بخش‌هایی که می‌توان برای توسعه و تبلیغ فرهنگ اسلامی روی آن سرمایه‌گذاری کرد، بخش هتل و رستوران است. اسلام گردشگری را از دو منظر مورد توجه قرار داده است؛ اولاً گردشگری زمینه مشاهده جهان خلقت و دستاوردهای بشری و ثانیاً گردشگری مورد آشنایی فرهنگ‌های دیگر با فرهنگ اسلامی می‌شود. چنانچه امام خمینی (ره) می‌فرماید: می‌بایست علاوه بر سفرهای رسمی، سفرهای غیررسمی هم بنماییم تا جهان را بیدار کنیم (Imam Khomeini, 1986, Sahifah Noor, vol. 15, p. 55). در آیات قرآنی نیز به کرات به حضور بیگانگان در کشورهای اسلامی و نحوه برخورد با آن‌ها پرداخته‌اند. پرواضح است با توجه به چنین تأکیدهایی در زمینه گردشگری در اسلام به جنبه‌های گوناگون این صنعت توجه شده است. بنابراین بر هر جامعه‌ای که یک انسان به آن پناه می‌برد واجب است که او را پناه دهد و او را به جایگاه امنی برساند (Jafari Tabrizi, 1991: 30). اصولاً حقوق اسلامی محافظ جان، مال و حیثیت و آزادی غیرمسلمان است. به این شرط که تبعه دولت اسلامی یا از بیگانگان مقیم و یا از سیاحان باشد (Hamidullah, 2007: 26). گروه‌های غیرمسلمانی که بر اساس شرایط و آیین‌ها و معیارهای پیمانی که با دولت اسلامی بسته‌اند وارد کشور اسلامی می‌شوند و به تمام موارد درج شده در متن قرارداد که مورد توافق گرفته است، پایبند باشند تا زمانی که به عنوان شهروند و یا میهمان، چه بازرگان و یا گردشگر، در کشور اسلامی به سر می‌برند و مادامی که پیمان خود را نشکسته‌اند و مدت قرارداد و اقامت آنان به پایان نرسیده است در جامعه اسلامی حقوقی دارند که رعایت حقوق آنان بر دولت و شهروندان واجب است از جمله:

۱- مصونیت و امنیت همه جانبه از لحاظ جانی «مال» حیثی و شغلی

۲- برخورداری از آزادی در انجام وظایف مذهبی و برگزاری مراسم ملی و دینی

۳- آزادی در انجام احکام و اعمال شخصی برابر آیینی که دارند

۴- در داد و ستد با مسلمانان و حضور در بازار تجارت و کسب آزادند.

۵- توهین به آنان و دشنام و ناسزاگویی به مقدسات آنان ممنوع است (kalantari, 1997).

کدهای جهانی اخلاق گردشگری از سوی سازمان ملل متحد، به منظور بهبود صنعت گردشگری و ایجاد تفاهات بین‌المللی از یک سو و از سوی دیگر برای دستیابی به توسعه پایدار و حفظ میراث گردشگری تدوین گردیده و در این کدها بیش از هر چیز بر حق گردشگری به عنوان بستر توسعه صنعت گردشگری تأکید دارد (Motamedi et al., 20: 20: 1998). حال می‌توان با توجه به مطالب ذکر شده به بیان ویژگی‌های محصولات صنعت گردشگری و چگونگی تنظیم آن‌ها با الگوهای اسلامی پرداخت. گردشگری محصولاتی را عرضه می‌کند که عمدتاً از جنس خدمات و با ویژگی‌های خاص هستند. که هرگونه تلاش برای توسعه این صنعت در کشور به عنوان یک قابلیت دارای مزیت اقتصادی برای کشور و منطقه به بار می‌آورد و این امر جز با شناخت صحیح جوانب گوناگون این صنعت و از جمله ویژگی‌های محصولات آن معقول به نظر نمی‌رسد (Zahedi and Hertmani, 2005: 55). ایران نیز با توان فرهنگی بالا می‌تواند الگوهای ایجاد هتل‌های زنجیره‌ای را بر اساس الگوهای اسلامی پایه‌ریزی کند و با عرضه خدمات مطابق با الگوهای فرهنگی، مذهبی خود در جهت جذب گردشگر شیوه جدیدی برای کسب درآمد ارزی داشته باشد.

جایگاه گردشگری ایران

ایران در جنوب غربی آسیا و در منطقه خاورمیانه با ۱٬۶۶۸٬۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت (هفدهم در جهان) و بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر جمعیت (هجدهم جهان) است. ایران از شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است و همچنین از شمال به دریای خزر (کاسپین) و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌شود، که دو منطقه نخست از مناطق مهم استخراج نفت و گاز در جهان هستند. بر اساس آمار سازمان گردشگری، سهم صنعت گردشگری ایران از تولید ناخالص داخلی، حدود ۱۱۹ میلیون دلار (معادل ۲٫۴ درصد) است که پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۲، به چهار درصد افزایش یابد. همچنین در حال حاضر، ۴۷۵ هزار ایرانی در صنعت گردشگری و صنایع مرتبط با آن مشغول به کارند که این میزان، ۱٫۲ درصد از کل نیروی کار فعال در ایران را تشکیل می‌دهد و بر اساس برنامه‌های دولت، باید تا سال ۱۴۰۲، به ۳٫۲ درصد افزایش پیدا کند (Mokhlesi, 1997).

مطابق آمارهای منتشره از سوی سازمان جهانی گردشگری، گردشگری ایران در سال ۱۳۹۵، ۱۲ درصد رشد داشته، در حالی که رشد جهانی گردشگری ۴ درصد بوده است. شاید به همین دلیل، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه گردشگری طی سال ۹۵، رشدی ۲۰ تا ۳۰ درصدی را به همراه داشته است. با این حال بر اساس اعلام رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، طی دو سال گذشته، آمار ورود گردشگران خارجی به کشور تنها ۴٫۶ دهم درصد گردشگران دنیا بوده است (Kazemi, 2008). ایران در شرق با افغانستان و پاکستان؛ در شمال شرقی با ترکمنستان، در بخش میانی شمال با دریای خزر، در شمال غربی با جمهوری آذربایجان و ارمنستان؛ در غرب با

ترکیه و عراق؛ و سرانجام در جنوب با آب‌های خلیج فارس و دریای عمان همسایه است. از دید طبیعی ایران از شمال به رود اترک، دریای خزر و رود ارس، از خاور به کوه‌های هندوکش و کوه‌های باختری دره سند، از باختر به دامنه‌های باختری کوه‌های زاگرس و حوضه آبریز اروندرود و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌شود. بیش از نیمی از ایران کویری و نیمه کویری است (Mohseni, 2009). حدود یک سوم ایران نیز کوهستانی است و بخش کوچکی از ایران (شامل جلگه جنوب دریای خزر و جلگه خوزستان) از جلگه‌های حاصلخیز تشکیل شده است. بلندترین کوه ایران دماوند (۵۶۱۰ متر) می‌باشد. از دید جغرافیایی؛ غربی‌ترین شهر ایران کلیساکندی، شرقی‌ترین شهر جالق، شمالی‌ترین شهر پارس‌آباد و جنوبی‌ترین شهر چابهار است.

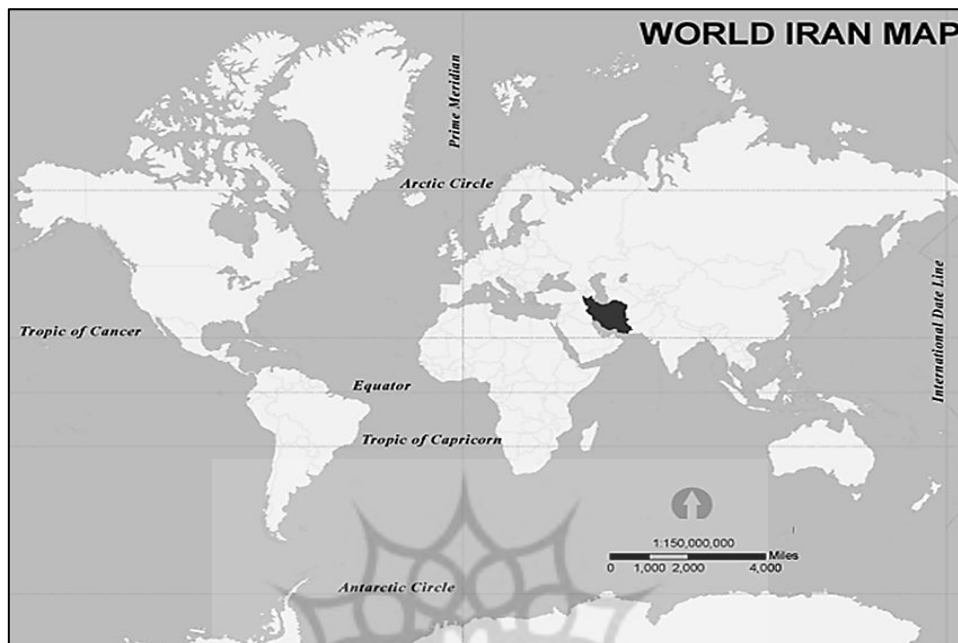


نقشه ۱: موقعیت ایران در قاره آسیا

Source: <http://www.mapsopensource.com>

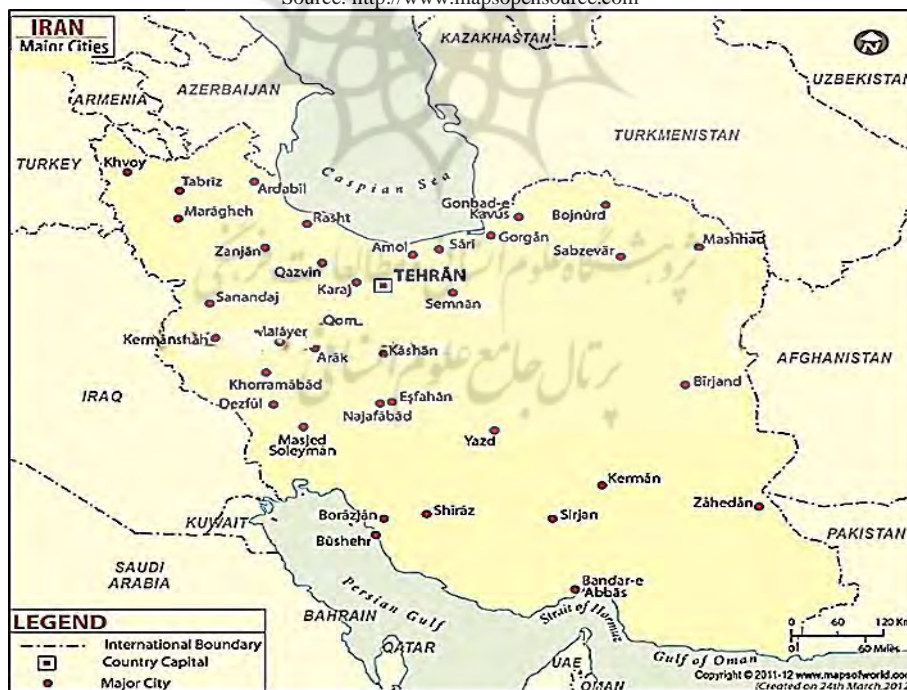
در سال ۹۲ تقریباً ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر، در سال ۹۳ حدود ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر و در سال ۹۴ حدوداً ۵ میلیون و ۲۵۰ هزار نفر به ایران آمدند. این آمار در سال ۹۵ با رشد حدود ۳۰۰ هزار نفری مواجه بوده است. هرچند طبق سند چشم‌انداز، در میانه برنامه ششم می‌بایست حدود ۸ میلیون گردشگر خارجی به کشور جذب می‌شد. به گفته مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و حمایت از توسعه گردشگری کشور، گرچه میل سفر به ایران در کشورهای حوزه خلیج فارس و عراق کمتر شده، اما سفر گردشگران اروپایی و آمریکایی به ایران از سال ۹۵ تا پایان سه‌ماهه اول ۹۶، ۵۶٫۶ درصد رشد داشته است. پس از برجام از مرداد ۹۴ تا پایان سال ۹۵، ۴۷۸ هزار و ۸۲۶ نفر از کشورهای غربی - (عمدتاً اروپایی) به ایران سفر کردند. این در حالی است که پیش از برجام در فاصله دی‌ماه ۹۲ تا تیرماه ۹۴، تنها ۳۵ هزار و ۸۵۲ اروپایی به ایران مسافرت کرده بودند. بر اساس آخرین پیش‌بینی سازمان جهانی گردشگری روند روبه رشد جذب گردشگر خارجی به ایران تا ۲۰۲۷ ادامه خواهد شد. بر اساس آخرین تقسیمات کشور در سال ۱۳۹۳ ایران از ۳۱ استان تشکیل می‌شود. ایران از لحاظ آب و هوایی یکی از منحصربه‌فردترین کشورهاست. اختلاف دمای

هوا در زمستان میان گرم‌ترین و سردترین نقطه گاهی به بیش از ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. داغ‌ترین نقطه. زمین در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی، در نقطه‌ای در کویر لوت ایران بوده است. ایران از لحاظ بارندگی در سطح نیمه خشک و خشک است (Qarenejad, 2009).



نقشه ۲: موقعیت ایران در نقشه جهان

Source: <http://www.mapsofopen.com>

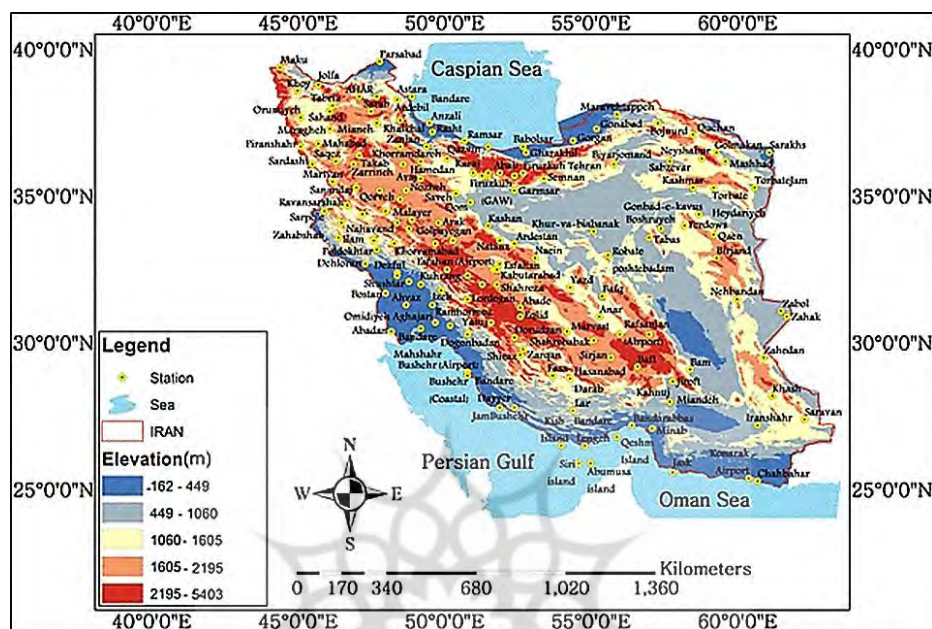


نقشه ۳: تقسیمات سیاسی ایران

Source: <https://www.mapsofworld.com>

نظام حقوقی ایران ترکیبی از فقه شیعه و نظام حقوقی رومی-ژرمنی است و عناصری از هر دو سیستم را در خود دارد. رئیس قوه قضائیه از سوی رهبر انتخاب و او نیز رئیس دیوان عالی و دادستان کل کشور را منصوب می‌کند.

چندین نوع دادگاه در ایران فعالیت می‌کند. دادگاه‌های عادی به دادگاه‌های حقوقی (اختلاف میان اشخاص) و جزایی - (صدور حکم مجازات برای مجرمین) تقسیم می‌شوند. دادگاه خانواده به اختلافات خانوادگی رسیدگی می‌کند. دادگاه انقلاب اسلامی صلاحیت رسیدگی به جرم مربوط به امنیت ملی را دارد و دادگاه ویژه روحانیت هم مخصوص رسیدگی به اتهامات روحانیون است (Abbaszadeh Grossi, 2007).



نقشه ۴: پتانسیل‌های آب و هوایی ایران برای رشد توریسم

Source: <https://link.springer.com>

گردشگری در ایران قابلیت زیادی برای گسترش دارد. بر پایه گزارش سازمان جهانی جهانگردی، ایران رتبه دهم جاذبه‌های باستانی و تاریخی و رتبه پنجم جاذبه‌های طبیعی را در جهان دارا است، ولی با این وجود به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و تفریحی تاکنون چندان در جذب گردشگران خارجی موفق نبوده است (Salehi et al., 2014). آمارهای رسمی از ورود گردشگران به ایران تفاوتی بین سفرهای تجاری، تفریحی و زیارتی نمی‌گذارد. اما به‌طور کلی در سال ۲۰۱۱ حدود ۳ میلیون نفر وارد ایران شدند و از این طریق بیش از دو میلیارد دلار وارد اقتصاد ملی ایران شد. بر اساس آمار مجمع جهانی اقتصاد در مورد شاخص‌های رقابت‌پذیری گردشگری ایران و مقایسه آن با رقبای منطقه خود در زمینه گردشگری می‌توان بیان کرد ایران طی سال‌های اخیر در بسیاری از شاخص‌ها رشد مطلوبی داشته است. ایران در سال ۲۰۱۱ رتبه ۱۱۴ از بین ۱۳۹ کشور، در سال ۲۰۱۳، با ۱۶ پله صعود، رتبه ۹۸ از بین ۱۴۰ کشور، در سال ۲۰۱۵ رتبه ۹۷ از بین ۱۴۱ کشور و در نهایت در سال ۲۰۱۷ با ۴ پله صعود، رتبه ۹۳ از بین ۱۳۶ کشور جهان را به خود اختصاص داده است. امتیاز ایران در شاخص رقابت‌پذیری سفر و گردشگری ۲۰۱۷، معادل ۳,۴ است که این امتیاز در سال ۲۰۱۵، ۳,۴ بوده است. همچنین رتبه ایران از جایگاه نهم در بین کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۵ به جایگاه هشتم در سال ۲۰۱۷ در این گروه صعود کرده است. روند روبه‌رشد ورود گردشگران به ایران و وضعیت بسیار مطلوب در شاخص‌هایی همچون قیمت رقابتی در کنار روند روبه‌رشد در سایر شاخص‌های رقابت‌پذیری، نشان‌دهنده جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری ایران است. در سال ۲۰۱۷ در مجموع ۱,۳۲ میلیارد سفر خارجی توسط گردشگران در سراسر جهان انجام شد که در مقایسه با آمار ۱,۲۴

میلیارد سفر در سال گذشته آن افزایش داشت و همچنین سه برابر بیشتر از ۴۳۹,۵ میلیون سفری است که در سال ۱۹۹۰ میلادی به ثبت رسید (Rahimpour & Mousavi, 2000). در حالی که جمعیت جهان از ۵,۳ میلیارد نفر در ۲۸ سال پیش (۱۹۹۰) به بیش از ۷,۶ میلیارد نفر در حال حاضر رسیده است نمی‌توان این حقیقت را کتمان کرد که امروز در مقایسه با گذشته افراد بیشتری لذت سفر در سراسر دنیا را تجربه می‌کنند. رشد بزرگ گردشگری در قرن ۲۱ زائیده افزایش محبوبیت جاذبه‌های گردشگری در مقاصد اروپایی نبوده و در عوض نتیجه رونق گردشگری در آسیا، آمریکای جنوبی، آفریقا و خاورمیانه بوده است. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۰ میلادی، منطقه آسیا-پاسیفیک تنها میزبان ۵۶,۲ میلیون توریست خارجی بود اما آمارهای سال ۲۰۱۷ در این منطقه عدد ۳۲۳,۷ میلیون نفر را نشان می‌دهند (Dinari, 2005).

حقوق گردشگران غیر مسلمان در فقه

در صورتی که بستن قرارداد صلح با غیرمسلمانان و دادن پناهندگی و اجازه ورود آنان به کشور اسلامی، دارای مصلحت و فایده‌ای برای اسلام و مسلمانان باشد، حاکم اسلامی می‌تواند به آنان اجازه ورود به کشور اسلامی بدهد. در این حکم، همه غیرمسلمانان برابرنند؛ چه کتابی و چه غیر کتابی، چه حربی و چه غیرحربی. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: *وان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مأمنه ذلك بانهم قوم لا يعلمون* (Heidari Chianeh, 2010).

اگر فردی از مشرکان (حربی که وظیفه دارید، به جنگ با آنان) از شما پناهندگی بخواهد، به او پناه دهید، تا این که کلام خدا را بشنود. آن گاه اگر اسلام را پذیرفت که غرض حاصل است و اگر نپذیرفت آن را به وطن و سرزمین خود برسانید. این حکم مهلت و پناهندگی دادن به خاطر آن است که اینان مردمی نادان‌اند. اگرچه در آیه کریمه، دادن پناهندگی به حربی برای شنیدن آیات قرآن و تحقیق درباره اسلام است، لکن آنچه در آیه یاد شده از جمله مصالحی است که سبب پناهنده دادن و قرارداد امان و صلح را امضا کردن است. بنابراین، اگر غیر از تحقیق درباره اسلام، مصالح دیگری نیز مطرح بود، برابر صلاح دید حاکم اسلامی، بستن قرارداد صلح و امان مشروع و اجازه ورود کافر حربی برابر مقررات و شرایط به داخل کشور اسلامی، جایز خواهد بود (Arbabian et al., 2014).

شیخ طوسی، در مبسوط، علامه حلی در منتهی و تذکره و بسیاری از فقها در مسئله بستن قرارداد صلح و دادن پناهندگی و اجازه به کافران برای ورود به کشور اسلامی، تصریح کرده‌اند که اگر مصالح امت اسلامی، برابر صلاح دید حاکم و دولت اسلامی ایجاب کند که با غیرمسلمانان پیمان صلح بسته شود و برای کارهای تحقیقی، فرهنگی وارد کشور اسلامی شوند، بستن چنین پیمانی بی اشکال است. علامه می‌نویسد: *(و انما يجوز عقد الامان مع اعتبار المصلحة... فانه جاز مع المصلحة ولانعلم فيه خلافاً. و من طلب الامان ليسمع كلام الله ويعرف شرائع الاسلام وجب ان يعطى اماناً ثم يرد الى مأمنه ولانعلم خلافاً لقوله تعالى: وان احد من المشركين استجارك فأجره. الآية...)* (Tavallaie, 1993).

یيجوز للامام عقد الصلح اجماعاً امور الحرب موکول اليه... فيجوز ان يعتد اماناً... فان عقد الامان منوط بنظره فان رأى من المصلحة عقد الامان... در صورتی که مصلحت باشد، بستن پیمان امان و صلح با غیرمسلمانان، جایز است و اگر فردی از غیرمسلمانان درخواست امان کرد، تا به کشور و میان جامعه اسلامی مسافرت کند و درباره احکام قرآنی و

معارف اسلامی به بررسی بپردازد، امان و اجازه ورود دادن به او، بر اساس آیه قرآن واجب است. بستن پیمان صلح و امان با کافران در حوزه مسئولیت حاکم اسلامی است، همان گونه که امر جنگ و صلح، بستگی به نظر او دارد. بنابراین، اگر صلاح دید که پیمان صلح ببندد و به کافران اجازه ورود به کشور اسلامی بدهد، برای او چنین حقی ثابت است. همو در جای دیگر می‌نویسد: (اذا استئذن الحربی فی دخول دار الاسلام اذن له الامام ان کان یدخل للرسالة او حمل میره او متاع تشدد حاجه المسلمین الیه). هرگاه کافر حربی از حاکم اسلامی اجازه ورود به کشور اسلامی را درخواست کند، امام به او اجازه می‌دهد (Das Weil, 2005).

خواه شخص حربی برای ورود به کشور اسلامی، انگیزه سیاسی داشته باشد، مثل این که حامل پیامی باشد، یا هدف فرهنگی داشته باشد، مثل این که بخواهد درباره اسلام و معارف و احکام اسلامی تحقیق کند، و یا آن که منظور اقتصادی داشته باشد، مثل این که کالای تجاری به داخل کشور اسلامی حمل کند و یا آن که هدف‌های روا و مشروع دیگری داشته باشد. شیخ جعفر کبیر کاشف الغطا می‌نویسد: (انما یجوز او یتحب - الامان - مع اعتبار المصلحه للمسلمین و قد یتب علی ترکه فساد علیهم. ویجوز للواحد المتعدین من المشرکین و یتب لمن اراد ان یسمع کلام الله منهم و لمن کان رسولا منهم). در صورتی که صلح و امان دارای مصلحت و به سود مسلمانان باشد، بستن پیمان آن جایز و بلکه به تر است و اما اگر ترک پیمان صلح با غیرمسلمانان برای مسلمانان مایه فساد و زیان باشد و یا اگر درخواست امان برای شنیدن آیات قرآن و کندوکاو درباره معارف اسلامی باشد و یا از سوی نمایندگان سیاسی دولت‌های غیرمسلمان باشد، پذیرفتن درخواست امان واجب است (Rahimpour & Mousavi, 2000).

همان گونه که می‌شود به یک فرد حربی امان داد، می‌شود به یک گروه حربی نیز امان داد. کوتاه سخن این که بستن پیمان صلح و امان با کافران و دادن اجازه به غیرمسلمانان برای وارد شدن به کشور اسلامی و جامعه مسلمانان، با نگهداشت شرایط و اعلام یک سلسله محدودیت‌ها و مقررات، در صورتی که برای مسلمان مصلحت و سود داشته باشد، از وظائف حاکم و در حوزه مسئولیت حکومت اسلامی است. گروه‌هایی که تقاضا و درخواست سفر به کشور اسلامی و ویزا و امان نامه دارند، شاید نماینده سیاسی، بازرگان، خبرنگار، جهان گرد و... باشند، در مواردی قبول درخواست آنان واجب در مواردی جایز و در مواردی هم مانند جاسوسان و افراد اخلاص‌گر و فتنه‌انگیز، حرام است. مدت اقامت، مناطق آزاد، و مناطق ممنوعه را قانون و نظر دولت و مسئولان کشور اسلامی تعیین می‌کند (Tabatabai, 2000).

در قرآن کریم آیه‌ای تحت عنوان قاعده نفی سبیل داریم لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا بنابراین قاعده مسلمین باید جهت تسلط و ترویج فرهنگ اسلامی و رشد خود در تمامی زمینه‌ها از هر فرصتی استفاده کنند شاید در برخی از زمان‌ها و مکان‌ها بشود از راه‌های غیرمستقیم این هدف را تعقیب کرد. پس یکی از این راه‌ها توجه به صنعت گردشگری است. باید در تدوین قوانین اوضاع و احوال را سنجد. باید به ارتباط فکر کرد نه به جدایی و برتری طلبی. اگر بطور منطقی و متعادل قوانین و مقررات خود را وضع نماییم و از احساسات و موضع‌گیری‌های عجولانه پرهیزیم می‌توانیم بیشتر و بهتر با دیگران وحدت داشته باشیم و دوستان بیشتری را هم به دست می‌آوریم. پس با رعایت تمامی جوانب می‌شود منافع ملی را در پناه مقررات مناسب حفظ کرد و در واقع با یک تیر چندین

نشانه را به هدف گرفت. ایران اسلامی در رقابت با کشورهای جهان مجبور است امتیازهایی را بدهد تا از این رقابت که سال‌ها عقب مانده است عقب‌تر نماند و بتواند راه توسعه این رشته را هموار نماید (Shakeri and Babaei, 2016: 49-64).

گردشگری در حقوق موضوعه ایران

دو دسته حقوق برای گردشگران متصور است: حقوق خصوصی و حقوق عمومی اما حقوق خصوصی که در قوانین مختلف ما برای بیگانگان وضع شده است کمتر جای بحث دارد چرا که در این مقاله ما از حیث حقوق عمومی می‌خواهیم بررسی نماییم بنابراین به حقوقی نظیر ازدواج و حق تألیف و حق ثبت علائم و اختراعات، حق خرید و فروش، حق اشتغال و... اشاره‌ای نداریم. اما چه حقوقی را برای یک گردشگر می‌شود در نظر گرفت؟ آیا یک گردشگر که مدت اقامت او در ایران کوتاه است مانند یک ایرانی است؟ به نظر می‌آید می‌شود از حقوقی برای او سخن گفت که موجب آسایش خاطر و امنیت او باشد برای یک مسافر مهم‌ترین چیز جان و مال اوست دولت میزبان باید در این امر اصلاً کوتاهی ننماید؛ بنابراین مهم‌ترین حقوق جهانگردان را می‌شود در موارد ذیل فهرست کرد:

۱- حق ترافع قضایی و اقامه دعوی: یعنی یک جهانگرد مثل تمام ایرانیان بتواند براحتی در دادگاهی ایران برای احقاق حق از دست رفته و یا به دست آوردن یک حق مشروع خودش اقامه دعوی کند و بیگانه بودن او موجب محرومیت او نباشد. هر چه روش پیگیری دعوی از جانب جهانگرد به راحتی و سهولت بیشتر امکان‌پذیر باشد، اعتماد آنان به نظام قضایی ما بیشتر خواهد بود؛ و احساس امنیت خواهند کرد. البته این حق برای بیگانگان در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری ایران وجود دارد ولی با شرایطی ویژه که درست هم است خصوصاً اگر طبق رفتار متقابل کشوری دیگر باشد (Shariati, 2002).

۲- ممنوعیت بازداشت بی‌دلیل او: جهانگرد باید وجود امنیت و آسایش را در یک کشور لمس نماید. اگر مقامات ایرانی بدون دلیل محکم و قانونی به دستگیری یک بیگانه اقدام کنند موجب می‌شود تا دیگران هم این حالت را برای خود تصور نمایند و از ورود به خاک ما پرهیز کنند. ۳- حق احترام به شخصیت او: گردشگر به عنوان یک انسان دارای این حق طبیعی است که مورد کرامت قرار گیرد و این حق طبیعی نباید به هیچ وجه مورد ترض و یا بی‌توجهی قرار گیرد. جدای از این که او دارای چه زبان، دین، نژاد و تابعیتی باشد. کشور میزبان موظف است به این امر و موضوع خوب توجه کند (Shariati, 2002). ۴- حق آشنا شدن با قوانین و آداب و رسوم کشور میزبان: هر کشور میزبان وظیفه دارد تا مقدماتی را فراهم آورد که جهانگردان قبل از ورود به کشورش به گونه‌ای مناسب با قوانین و رسوم بسیار مهم دینی و یا ملی جامعه‌اش آشنا گردند. به خاطر اینکه با ورود خود مشکلی را برای کشور میزبان و خودشان ایجاد ننمایند. پس برای این منظور باید در یک مجموعه‌ای مختصر و جامع و به صورت کتابچه که حاوی مهم‌ترین مقررات و سنن حاکم بر آن جامعه است را منتشر نماید و به هنگام اعطای حق ورود در اختیار جهانگردان گذارد.

۵- حق برخورداری از خدمات به موقع و مناسب: باز هم تکلیف دولت میزبان است تا امکانات خوبی را جهت این امر فراهم نماید. چون اگر گردشگر به طور فورس ماژور با مشکلاتی مواجه شد بتواند خیلی سریع آنان را حل کند و

اگر دولتی در این زمینه‌ها اقداماتی شایسته را انجام دهد به تعداد مهمانان او هم افزوده خواهد شد. پس برای حمایت از گردشگر لازم به نظر می‌رسد که این را به عنوان حق طبیعی برایش در نظر گرفته و به او در شرایط ضروری کمک سریع رسانده شود (Shariati, 2002).

هر کشوری برای حفظ میراث فرهنگی و احترام به نظم عمومی و اخلاق حسنه مقرراتی را وضع می‌کند که تمام اتباع داخله و خارجه ملزم به رعایت آن می‌باشند. هر دولتی نیز جهت ایجاد آرامش و امنیت در مملکت خودش سیاست‌هایش را اعمال می‌کند تا موجبات حفظ آرامش را برای عموم مردم با رعایت تمامی جوانب فراهم کند؛ بنابراین در تمام جهان هم ما یک سری جرائم را سراغ داریم که هر کسی آن‌ها را مرتکب شود محکوم به مجازات است. هر که باشد و از هر کجا هم باشد. ما آن‌ها را در عنوان تکالیف عمومی جهانگردان می‌گنجانیم. در تمام سیستم‌های حقوقی دنیا هم روی این امر با هم اتفاق نظر دارند. جرائمی مثل سرقت، زدو خورد، قتل و هتک حرمت و... که در سرتاسر جهان مجازات‌هایی را به دنبال دارند هر چند متفاوت باشد (Shariati, 2005: 7 - 32).

پس هر گردشگری که وارد ایران می‌شود با آگاهی از این نوع جرائم ملزم است که رعایت کند تا کارش به محاکم ما نکشد. موضوع حفظ آثار ملی و میراث فرهنگی هم از همین اهمیت برخوردار است یعنی یک جهانگرد می‌داند و باید بداند که احترام به حقوق متعلق به دیگران وظیفه و تکلیف اوست. این نیازی به استدلال و برهان ندارد؛ اما همیشه موضوع به این راحتی نیست که ما بتوانیم تکالیف علی‌حده‌ای را برای جهانگردان فهرست کنیم و تازه درست هم نیست که بار فراتر از توان و طاقت را بر بیگانه‌ای تحمیل نماییم. شاید وقتی ما حرف از تعدیل می‌زدیم بیشتر هدف ما همان مواردی بودند که جنبه عمومی و جهانی نداشتند نه آن مواردی که از تکالیف عمومی یک گردشگر در تمام نقاط دنیا است. پس از تکالیفی که بسته به آداب و رسوم و مذهب یک کشور است برای بیگانه باید دقیقاً تعریف گردد و شناسانده شوند؛ و نباید انتظار داشت که یک خارجی و بیگانه کاملاً مانند یک تبعه داخلی رفتار کند و کوچک‌ترین نافرمانی او مورد مجازات قرار گیرد. در هر صورت موارد ذیل از مهم‌ترین تکالیف گردشگران می‌تواند بشمار رود:

۱- احترام به اصول مسلم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (البته قانون اساسی هم تعدیل و اصلاح گردد).

۲- رعایت قوانین و مقررات جزایی (که البته باید تعدیل شود).

۳- رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی

۴- عدم دخالت در امور سیاسی

۵- عدم سوءنیت نسبت به آثار ملی و میراث فرهنگی

۶- احترام به آداب و رسوم ملی، فرهنگی و دینی

۷- داشتن رابطه حسنه با اتباع ایرانی در طول اقامت خودش

البته هر یک از تکالیف فوق می‌تواند مصادیق مشترک و متنوعی داشته باشد؛ بنابراین بهتر است که حدود و میزان آن مشخص گردد. تا بیگانه مشمول قاعده قبح عقاب بلا بیان نشود (Shariati, 2005: 7 - 32).

چالش‌های فقهی حضور گردشگران غیر مسلمان در ایران

از آن جایی که اسلام به عنوان یک دین جهانی جامع و جاودانه و جهانی، همه انسان‌ها را در عرصه بین‌المللی از هر نژاد و قومی و با هر زبان و فرهنگی، جزء عائله و اعضای خانواده بزرگ و جهانی خویش می‌داند و همه ملت‌ها را مخاطب دستورها و آیین‌های خود به شمار می‌آورد و اصل پیوند و ارتباط بین همه انسان‌ها را بر اساس خیرخواهی و احسان و نیکی امری پسندیده و شایسته می‌شمرد؛ و همه انسان‌ها را به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و دوری از هرگونه سلطه‌جویی و تجاوزگری فرامی‌خواند (Kalantari, 1997).

و با نظر به یک سلسله واقعیت‌ها، به‌ویژه پاره‌ای دگرگونی‌های چشم‌گیر و پیشرفت‌های بزرگ در عرصه صنعت و فناوری و توسعه ارتباطات جمعی، بسیار بجاست که احکام و آیین‌های مترقی، علوم و معارف بلند اسلامی و سیاست‌های واقع‌بینان قرآنی در باب روابط و مناسبات بین ملت‌ها و دولت‌ها که با نظمی سازوار با نیازهای زمان، یک جا گردآوری شود و با نام و عنوان مناسبی، در مثل فقه ارتباطات، به جامعه جهانی عرضه و در معرض افکار و اندیشه‌ها قرار گیرد.

بسیاری از مباحث ظریف روابط بین ملت‌ها و دولت‌ها و مسائل مربوط به حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی در ضمن مباحث جهاد مطرح شده است، در حالی که به نظر می‌رسد اگر عنوانی جامع برگزیده شود، به نام: فقه ال ارتباطات و فقه ال جهاد که خود نوعی ارتباط با غیرمسلمانان است و از قانون‌ها و آیین‌های مترقی و انسانی اسلام، در ضمن بحث از فقه ال ارتباطات، به تحقیق و بررسی گذاشته شود، شاید با واقع و روح و مذاق شریعت سازگارتر شد. نخست بحث گفت‌وگو و ارتباط و همزیستی مسالمت‌آمیز در فضای آکنده از صلح و سلم برای تبادل اندیشه‌ها و روشنگری و آگاهی مطرح باشد؛ و آنگاه بحث جنگ و جهاد، در پی تیره شدن روابط و سلسله‌جویی تجاوزگری و دشمنی با حقیقت و ارزش‌ها به عنوان یک ضرورت مطرح شود (Masgarnejad, 1994).

غیرمسلمانان در کتاب‌های فقهی از جهتی به چهار گروه تقسیم شده‌اند.

۱. ذمی.

۲. مُستأمن.

۳. مُعاهد.

۴. حربی (Mousavi, 2012).

ذمی: آن گروه از غیرمسلمانانی که کافر کتابی باشند؛ یعنی یهود، نصارا و مجوس. در صورتی که بخواهند به عنوان اقلیت‌های مذهبی و شهروند، تابعیت کشور اسلامی را بپذیرند و جزء متحدان امت مسلمان باشند و قرارداد ذمه را با حکومت اسلامی امضاء کنند و به پیمان ذمه پایبند بمانند و به شرایط ذمه، مانند پرداخت جزیه متعهد شوند، کافر ذمی شناخته می‌شود. بستن قرارداد ذمه بین اهل کتاب و حکومت اسلامی، شرایطی دارد و در نتیجه یک سلسله حقوقی را بین اهل ذمه و حکومت و ملت اسلامی پدید می‌آورد. کافر ذمی، از شهروندان کشور اسلامی به شمار می‌رود مانند یک شهروند مسلمان از مزایا و امکانات دولت و کشور اسلامی استفاده می‌کند و مانند افراد مسلمان در تحت حمایت دولت اسلامی زندگی می‌کند و جان و مال و ناموس و شغل و کار و موقعیت وی، مورد احترام و رعایت جامعه قرار می‌گیرد و در برابر، وظیفه دارد به نگهداشت آیین‌ها و احترام به قانون رسمی جامعه اسلامی و در

رابطه با احوال شخصیه و زندگی خانوادگی، مانند، ازدواج، طلاق، ارث با نگهداشت یک سلسله معیارها و ترازها که در متن قرارداد آمده و به توافق و امضاء دو سوی قرارداد رسیده است، بر اساس آئین و مرام خودشان عمل می‌کنند. در مورد اهل ذمه، بحث‌ها و سخن‌های بسیاری است که به پاره‌ای از آن‌ها در ضمن بحث از فرق بین ذمی و مستأمن اشاره خواهد شد (Varesi and Heidari, 2010).

معاهد: معاهد به غیرمسلمانان گفته می‌شود که با دولت اسلامی پیمان عدم تعرض و قرارداد ترک جنگ و دشمنی را امضا کرده باشند و در سرزمینی و داخل کشور خودشان زندگی می‌کنند. امضای قرارداد و معاهده سبب می‌شود که جان و مال و ناموس و سرزمین آنان حرمت و مصونیت پیدا کند و اگر مصالح سیاسی و اجتماعی مسلمانان ایجاب کند، دولت اسلامی می‌تواند برابر آیین‌ها و قانون‌ها، با صدور ویزا به آن‌ها اجازه ورود و اقامت در کشور اسلامی بدهد و به مدتی که برابر مصالح و منافع مسلمانان در متن قرارداد به آن‌ها اجازه اقامت داده شده است، به عنوان بازرگان، جهان گرد و یا به عنوان دانشجو و یا سفیر و کاروان و رایزن و دیگر عناوین معمول و رسمی به کشور اسلامی مسافرت کند.

مستأمن: کافری است که برای تحقیق و مطالعه درباره اسلام و عقاید اسلامی و فرهنگ مسلمانان و آشنایی با احکام و معارف دین، یا به انگیزه‌های صحیح دیگر از ملت و یا دولت اسلامی خواستار آمان و پناهندگی و ورود به کشور اسلامی شده است.

هر یک از سه گروه غیرمسلمان: ذمی، معاهد و مستأمن، حقوقی دارند که در بخش مستقلی به بحث و بررسی آن خواهیم پرداخت.

حربی: حربی بر آن دسته از غیرمسلمانان گفته می‌شود که از هیچ یک از سه گروه یاد شده نباشند، یعنی هیچ یک از قرارداد و تعهد ذمه و امان و معاهده را با مسلمانان امضا نکرده باشند. حربی، کافری است که از قانون خدا سر پیچیده و تحت قرارداد ذمه و امان و معاهده در نیامده است، از این روی از نظر اسلام جان و مال و ناموس وی، هیچ گونه حرمت و مصونیتی ندارد و مسلمانان می‌توانند، پس از دعوت و آگاهی لازم و اتمام حجت، با او وارد جنگ شوند، خواه او در حال جنگ و یا توطئه علیه مسلمانان باشد یا نباشد، به شرط این که اعلام بی طرفی و عدم مداخله و ستیزه جویی نکرده باشد. کافر حربی، حق ورود و سکنی در کشور اسلامی را ندارد و اگر وارد سرزمین اسلام شد، هیچ گونه مصونیتی نخواهد داشت، مگر آن که اشتباهی رخ داده باشد و به باور این که اگر به عنوان بازرگان و یا جهان گرد وارد کشور اسلامی شود، مصونیت دارد. در این فرض، به کشورش برگردانده می‌شود، مگر آن که ثابت شود به عنوان جاسوسی وارد کشور اسلامی شده است که با او برخورد مناسب خواهد شد (Mazinani, 1997).

باتوجه به آنچه در فقه اسلامی ثابت شده، در فرض مصلحت، برابر با تشخیص حاکم اسلامی و دست‌اندرکاران سیاست خارجی، با همه گروه‌های غیرمسلمان می‌توان قرارداد و پیمان صلح بست و همان گونه که از قرآن کریم و روایات و فتاوا استفاده می‌شود، اگر کافران حربی به صلح گرایش داشته باشند و قصد توطئه و فتنه‌انگیزی علیه مسلمانان را نداشته باشند و پذیرفتن پیشنهاد صلح با آنان به صلاح و سود مسلمانان باشد، حال آن مصلحت فائده فرهنگی باشد یا اقتصادی و نظامی، اعلام موافقت و پذیرش صلح با آنان با بستن قرارداد رسمی‌ای اشکال خواهد

بود. از این گونه مطالب به روشنی استفاده می‌شود که در چنین شرایطی و با بستن چنین پیمانی، دیگر آن کافران حربی به شمار نمی‌آیند. در نتیجه، در شرایط کنونی جهان معاصر که بین دولت‌ها و ملت‌ها قراردادهای دو یا چند جانبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی بسته شده است و روابط و آمد و رفت‌ها بر اساس توافق‌نامه‌ها و ضوابط و آیین‌ها و قانون‌های پذیرفته‌شده بین المللی است، دیگر کافر حربی به معنای خاص فقهی که جان و مال و شغل و کار و موقعیت اجتماعی وی احترام و مصونیت نداشته باشد، وجود ندارد (Kalantari, 1997).

روشن است که این حکم، دولت‌ها و ملت‌های غیرمسلمانی که پیشینه جنگ با مسلمانان را داشته‌اند نیز، در برمی‌گیرد؛ زیرا فرض بر این است که اگر برابر صلاح‌دید حاکم و مسئولان کشور اسلامی مصالحه با این گونه دولت‌ها به مصلحت مسلمانان باشد، می‌توانند قرارداد صلح را امضا کنند و پس از سازگاری و هماهنگی دوسویه‌ای و امضاء قرارداد صلح، دیگر آن دولت و ملت حربی به اصطلاح فقهی که دارای احکام و آثاری است، به شمار نخواهند آمد. تا زمانی که مدت قرارداد به پایان نرسیده و یا مادامی که از سوی آنان اقدام به شکستن پیمان و زیر پا گذاشت قرارداد نشده باشد و یا احساس دگرگونی‌ها مشکوک علیه اسلام و مسلمانان نشود، حربی شناخته نمی‌شوند، بلکه معاهد و مستأمن، به شمار می‌آیند که جان و مال و حیثیت آنان از هرگونه تعرضی از سوی مسلمانان در امان است. در استوار سازی و ژرفاشی به مناسبات همه‌سویه مسلمانان با غیرمسلمانان، خواه در بیرون از کشور و جامعه اسلامی، یا درون کشور و جامعه اسلامی یک سلسله اصول و آیین‌هایی حاکم است که با نگهداشت و پایبندی سویه‌ای قرارداد و معاهد، هیچ‌گونه خلل و خطری دامن‌گیر جامعه جهانی و روابط بین المللی نمی‌شود و بدون نگهداشت اصول و پایبندی به آن‌ها، هیچ‌گاه اطمینان به تحقق روابط دوستانه و همزیستی مسالمت‌آمیز برای هیچ یک از سویه‌ای قرارداد حاصل نمی‌شود (Rahimpour & Mousavi, 2000).

آثار منفی گردشگری را می‌توان به چهار دسته؛ فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و روحی - روانی تقسیم نمود. آثار منفی (اقتصادی) نتیجه نامطلوب اقتصادی پدیده‌ای است که آن را کسر مسافرت^۱ می‌نامند و این مربوط به زمانی است که کل درآمدهای ارزی یک کشور از محل جهانگردان کمتر از مبلغی می‌شود که شهروندان آن کشور در خارج مصرف می‌کنند. آثار منفی (روحی، روانی) گردشگری به دلیل ایجاد شلوغی، ترافیک، آلودگی ناشی از رفت و آمد خودروها و به وجود آوردن احتمال تغییرات فرهنگی و تأثیر بر بافت سنتی برخی مناطق اثرات روحی و روانی بر مردم منطقه می‌گذارد. آثار منفی (زیست محیطی) گردشگر می‌خواهد از زیبایی‌های طبیعی بهره‌مند شود و ممکن است تخریب محیط زیست را در پی داشته باشد. آثار منفی (فرهنگی - اجتماعی) بدون شک ورود جهانگرد تأثیراتی را در حوزه فرهنگی و اجتماعی کشور میزبان خواهد گذاشت. برخی نویسندگان به تجاری شدن یا کالایی شدن فرهنگ جامعه میزبان اشاره کرده‌اند به این معنا که ساکنان محصولات فرهنگی خود در آن گونه که مورد پسند گردشگران باشد عرضه می‌کنند. ممکن است فرهنگ گردشگران و هر چه مربوط به آن‌ها است، برای جامعه میزبان الگو می‌شود و ساکنان به تقلید کورکورانه از فرهنگ میهمان می‌پردازند. آثار مثبت (اقتصادی) ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، ارزآوری، ارتقای سطح زندگی مردم، فروش خدمات از جمله مزایای مستقیم حاصل از جهانگردی

^۱. travel deficit

است و از مزایای غیرمستقیم جهانگردی می‌توان از فعالیت‌های ساختمانی، صنایع دستی هنری، کشاورزی، خدمات و توسعه و بهبود تجهیزات زیربنایی مانند جاده‌ها، و سیستم‌های حمل و نقل نام برد (Rahimpour & Mousavi, 2000).

چالش‌های حقوقی حضور گردشگران غیرمسلمان در ایران

وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که عمدتاً در ایجاد بسترهای مناسب گردشگری و برای تأمین حق و حقوق و مزایای گردشگر مداخله مستقیم و همکاری و تکالیف قانونی دارند، عبارت‌اند از: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادارات تابعه آن و مؤسسات گردشگری داخلی و خارجی، هتل‌ها و مهمانسراها؛ وزارت امور اقتصادی و دارایی، شرکت‌های بیمه و گمرک، بانک‌ها؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی خصوصی گردشگری؛ وزارت امور خارجه، سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های سیاسی دولت در خارج از کشور؛ وزارت کشور، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، اداره گذرنامه، شهرداری‌ها و حوزه‌های انتظامی؛ وزارت کشاورزی؛ وزارت جهاد سازندگی، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و شیلات؛ وزارت راه و ترابری، هواپیمایی، کشتیرانی و راه آهن؛ سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، رسانه‌های دولتی و خصوصی؛ سازمان تربیت بدنی، مؤسسات ورزشی و باشگاه‌های ورزشی اعم از دولتی و خصوصی؛ سازمان برنامه و بودجه؛ سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (Jahanian and Nad Ali Pour, 2009).

شاید استفاده از کلمه «بیگانه» در این باره چندان مناسب نباشد. با وجود پیشرفت روزافزون ارتباطات و نظریه آقای «مک لوهان» اکنون «جهان جزیره‌ای بیش نیست». بنابراین جهانگردی که وارد کشور می‌شود، به بیشتر مسائل موجود آشنا است و چندان هم بیگانه نیست. مقررات حقوقی یکی از علل و عوامل اساسی در توسعه صنعت گردشگری است. این رویه کشورها را واداشته است تا با اتخاذ محدودیت‌ها و راه‌حلهایی، صنعت گردشگری را به سوی توسعه پایدار هدایت کنند. بنابراین تدوین قوانین و مقرراتی با هدف حمایت از گردشگران و ایجاد امنیت برای آن‌ها ضروری است، زیرا ورود گردشگران خارجی به هر کشور و رونق گردشگری خارجی تا حد زیادی با قوانین و مقرراتی که از حقوق آن‌ها حمایت کند، مرتبط است. ضرورت اصلی طرح چنین موضوعی نیاز مبرم به احیای گردشگری، آن هم نه فقط برای اهداف اقتصادی، بلکه برای بازیابی عظمت ایران در عرصه بین‌المللی است. حال با کمی تأمل در این زمینه می‌توان دریافت که ورود گردشگر به هر کشور، در کنار لزوم وجود جاذبه‌های گردشگری، نیازمند پیش‌شرط‌هایی است که یکی از آن‌ها در نظر گرفتن حقوق گردشگران است (Savagheb & Rahmani, 2006).

قانونی مدنی میراث گران‌قدر به جای مانده از اندیشمندان بزرگی است که با مهارتی تام، پیوندی مستحکم بین حقوق اسلامی و حقوق اروپایی برقرار کردند و در نتیجه همت آن بلندنظران بنای مستحکمی ایجاد شد که هنوز پس از گذشت قریب به هفتاد سال باقی و پابرجاست. در این قانون، احکام مربوط به اشخاص، اموال، عقود و معاملات تبیین شده است. جهانگردان غیرمسلمان اگرچه بنا بر عموم ماده ۵ قانونی مدنی تحت شمول این قانون قرار دارند، در خصوص احوال شخصیه، مستثنا از قوانین ایران و تابع قانون کشور خود هستند. ماده ۷ قانون

مذکور در این مورد بیان می‌دارد: «اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود (Papelli Yazdi and Sagha'i, 2006).

احوال شخصیه که موضوع اصلی این ماده را تشکیل می‌دهد، عبارت از اوصافی است که مربوط به شخص، صرف نظر از شغل و مقام خاص او در اجتماع است. احوال شخصیه را اوصافی تشکیل می‌دهند که قابل تقویم و مبادله به پول نیستند و از لحاظ حقوق مدنی نیز آثاری بر آنها مترتب است؛ مانند ازدواج و طلاق و نسب. از سوی دیگر در خصوص مشمولان این ماده باید گفت اتباع خارجه اعم است از اهل کتاب خارجی و غیر اهل کتاب خارجی که به صورت مستأمن (زینهار) مقیم دائم یا موقت در ایران باشند؛ پس بودایی و برهمنی هم که باشند، مشمول این ماده‌اند، اما نکته مهم، تصادم احوال شخصیه اتباع خارجه با احوال شخصیه اتباع داخله است که موجب مقید شدن «ماده ۷ قانون مدنی می‌شود. نکاح مصداقی از این احوال است که «دین» و «تابعیت» متعاقدین سبب تفاوت احکام آن می‌شود. از بررسی مواد متعدد قانون مدنی در باب نکاح نتایج ذیل حاصل می‌شود:

الف) نکاح جهانگرد مرد غیرمسلمان با زنان مسلمان تبعه ایران صحیح نیست. ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی در این مورد بیان می‌دارد: «نکاح مسلمه با غیرمسلمه جایز نیست. تفاوتی ندارد که غیرمسلمان از کفار کتابی باشد یا غیر آن. ب) نکاح جهانگرد زن غیرمسلمان با مرد مسلمان تبعه ایران مورد اشاره قانون مدنی قرار نگرفته است. به عقیده برخی حقوقدانان اگر آن غیرمسلمه خارج از ادیان رسمی باشد، نکاح باطل است؛ مانند ازدواج مسلمان با یک بودایی، و اگر آن غیرمسلمان دارای یکی از ادیان رسمی باشد، در فقه اختلاف است. متعه او را روا شمرده‌اند و در دائم اختلاف است. ج) نکاح جهانگرد مرد مسلمان تابع خارج، با زن مسلمان تبعه ایران منوط به تحصیل اجازه مخصوص است. ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی در این زمینه بیان می‌دارد: «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است» (Rahimpour & Mousavi, 2000).

د) دولت می‌تواند نکاح مرد تحت استخدام دولت با جهانگرد زن مسلمان را منوط به اجازه مخصوص نماید. ماده ۱۵۶۱ قانون مدنی در این باره بیان می‌دارد: «دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمان و مأموران رسمی و محصلان دولتی را با زنی که تبعه خارجی باشد موکول به اجازه مخصوص کند.

ه) نکاح مرد جهانگرد غیرمسلمان با زن غیرمسلمان تبعه ایران منوط به تحصیل اجازه است (ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی). مسئله ارث کافر از مسلمان، یکی دیگر از موارد مرتبط با ماده ۷ قانون مدنی است که تبعاً اگر در بین ورثه کافر، مسلمانی باشد و موضوع در محاکم ایران مطرح شود، نمی‌توان قانون متبوع متوفی را حاکم دانست. ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی در این باره بیان می‌دارد: «کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد، وارث کافر ارث نمی‌برد اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشد. نکته پایانی قابل طرح در این مبحث، مسئله نحوه تملک املاک و اراضی توسط جهانگردان خارجی است. برخلاف ماده ۷ قانون مدنی، قانون‌گذار ایرانی در این زمینه، مسیر متفاوتی را پیموده است و در ماده ۸ در این خصوص بیان می‌دارد: «اموال غیرمنقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملک کرده یا می‌کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود (Rahimpour & Mousavi, 2000).

باید توجه داشت که تملک اموال غیرمنقول منوط به اقامت دائمی بیگانه در ایران نیست. جهانگردان غیرمسلمان دارای حق تملک املاک و اراضی واقع در ایران هستند. آیین‌نامه راجع به استملاک اتباع بیگانه در ایران، مصوب مرداد ۱۳۴۴، در این باره بیان می‌دارد: بیگانگی که به منظور سیاحت و استفاده بیلاقی مسافرت‌های منظم فصلی در سنوات متعدد و متوالی به ایران می‌کنند هرگاه بخواهند در ایران محلی برای سکونت شخصی خریداری کنند باید به ترتیب زیر اقدام کنند متقاضیان تقاضای خود را که باید حاوی نکات ذیل باشد:

الف- نام و نام خانوادگی و محل اقامت و رونوشت شناسنامه یا رونوشت برگ هویت

ب- تابعیت فعلی و در صورت تغییر تابعیت، تابعیت اصلی (Rahimpour & Mousavi, 2000).

ج- مشخصات کامل محل مورد تقاضای خود را در استان‌ها و فرمانداری‌های کل به استانداری یا فرمانداری کل و در تهران به دفتر نخست‌وزیر تسلیم کنند. استانداران یا فرمانداران کل برحسب مورد تقاضای واصله را به مرکز و استان‌ها در کمیسیونی مرکب از نمایندگان نخست‌وزیری و وزارتخانه‌های کشور، دادگستری، امور خارجه در نخست‌وزیری مورد رسیدگی قرار گرفته و برای تصویب نهایی به هیئت‌وزیران تقدیم می‌شود. تصمیم کمیسیون در مورد تقاضای قطعی است». (در حال حاضر ریاست جمهوری جایگزین نخست‌وزیری است. قانون کیفری، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست که برای انتظام امور و حفظ ارزش‌های انحصاری همچون امنیت، حیثیت، مالکیت، حیات و... وضع می‌شود. جهانگردی، اگرچه فی‌نفسه یک ارزش است، در قانون مجازات اسلامی مقررات خاصی برای حمایت از جهانگردی یا جهانگردان دیده نشده و اینان تابع قوانین عام کیفری ایران هستند. البته عقاید دینی جهانگردان موجب تفاوت برخی از احکام در زمینه‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات می‌شود که به آن اشاره خواهد شد. حدود» به مجازات‌هایی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است. مواد ۶۳ تا ۲۰۴ قانون مجازات اسلامی به حدود(زنا، لواط، مساحقه، قذف، شرب خمر، محاربه و افساد فی الارض و سرقت) اختصاص دارد. اگرچه تمامی افراد، صرف‌نظر از عقاید دینی در قبال این‌گونه مجازات می‌شود؛ برای مثال مجازات شرب خمر برای مرد مسلمان ۸۰ ضربه شلاق است؛ اما در مورد غیرمسلمان چنین مجازاتی پیش‌بینی نشده است و صرفاً در صورت تظاهر به شراب‌خواری این مجازات اعمال خواهد شد (Kalantari, 1997).

از سوی دیگر، گاهی «کفر» سبب تشدید مجازات حد است؛ برای نمونه به موجب ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی، زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمان صرف‌نظر از این‌که زانی محصن یا غیرمحصن باشد قتل است این در حالی است که مجازات زنای غیرمحصن مسلمان یکصد ضربه شلاق است. نکته دیگری که در زمینه مجازات‌های حدی جهانگردان وجود دارد، علم و جهل ایشان به عمل ارتكابی است. اگرچه جهل به قانون رافع مسئولیت نیست و نمی‌توان برای رهایی از مجازات به این عذر متوسل شد، در موارد متعددی از مباحث حدود، به لزوم «علم» مرتکب اشاره شده است؛ برای مثال بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۶۶ قانون مجازات اسلامی در صورتی که شراب خورده مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد و صحت ادعای وی محتمل باشد، محکوم به حد نخواهد شد. دیگر آنکه بر اساس بند ۶ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی، اعمال حد سرقت منوط به آن است که سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است. بنابراین، جهل وی سبب رهایی از مجازات است (Kalantari, 1997).

در تبیین مبنای لزوم علم جهانگردان غیرمسلمان می‌توان گفت: لازمه تنبیه، اعلام است و عقاب بلا بیان قبیح است و نحوه اعلام باید به گونه‌ای باشد که ابلاغ حکم به درستی و به نحوه اکمل صورت پذیرد. قاعده «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست» اگرچه برای انتظام اجتماعی و مصلحت جامعه و به حکم ضرورت مورد پذیرش قرار گرفته است، ولی عادلانه نیست و بر اساس قاعده انصاف نمی‌توان فردی را تنبیه کرد که ممنوعیت عمل به اطلاع وی نرسیده است. این نقیضه در حدود شرعی راه نیافته است. این مجازات‌ها اگرچه شدیدند؛ شرایط اثبات آن نیز بسیار دقیق و ظریف است؛ به نحوی که با بروز کوچک‌ترین شبهه‌ای مجازات حدی دفع می‌شود «الحدود تدرأ بالثبتهات». بنابراین باید به ادعای جهانگردان غیرمسلمانی که مدعی اطلاع نداشتن از حرمت جرائم حدی هستند، توجه کرد و اما در ارتباط با قصاص باید گفت: نابرابری در قصاص جهانگردان غیرمسلمان و مسلمانان وجود دارد (Mousavi, 2012). بنابراین اگر جهانگرد غیرمسلمان به دست مسلمانان کشته شود، قاتل قصاص نمی‌شود، ولی اگر مسلمانی را غیرمسلمان بکشد، قاتل قصاص می‌شود. جمهور فقها بر این عقیده‌اند و تنها ابو حنیفه از فقهای اهل سنت طریق دیگری را پیمود و معتقد است هیچ تبعیضی در قصاص وجود ندارد. کافر به کشتن مسلمان کشته می‌شود و مسلمان به کشتن کافر کشته می‌شود. در خصوص قتل کافر توسط مسلمان باید توجه داشت که اگر قاتل به کشتن کافر عادت کند، به این دلیل کشته می‌شود. برخلاف موارد فوق که حکم آن‌ها در قانون مجازات اسلامی بیان نشده است؛ در خصوص قتل جهانگرد غیرمسلمان توسط غیرمسلمان دیگر، ماده ۲۱۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می‌شود، اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد». این ماده، حکم قتل کافر غیرذمی را بیان نکرده است. به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق آیه شریفه النفس بالنفس قاتل محکوم به قصاص است. نباید کفر مقتول سبب رهایی قاتل از مجازات شود. البته اگر قاتل کافر، مسلمان شود، دیگر کشته نمی‌شود. از مجموع مطالب پیش گفته این نتیجه حاصل می‌شود که اگر جهانگرد غیرمسلمان را مسلمانی بکشد، قاتل قصاص نمی‌شود؛ اما این به معنای بلامجازات گذاشتن قاتل نیست. چنین جهانگردانی در پناه نظام اسلامی قرار دارند و حکومت اسلامی با صدور رواید عملاً پیمان عدم تعرض و حمایت از آنان را امضا کرده است و در این حالت چون قتل چنین جهانگردانی حرام است، قاتل تعزیر می‌شود. بر اساس ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی، تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است؛ از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق باید از مقدار حد کم‌تر باشد. یکی دیگر از مسائل قابل توجه مربوط به حقوق جهانگردان غیرمسلمان، مسئله دیه و خونبهاست. نباید فراموش کرد که تمام انسان‌ها حق حفظ تمامیت جسمانی دارند و باید از آن‌ها در قبال تعدیاتی که نسبت به جسم و جان آنان صورت می‌گیرد، حفاظت کرد. قانون مجازات اسلامی با بهره‌گیری از مجازات قصاص در صدد برآمده است که برای حفظ حیات اشخاص و تمامیت جسمانی آنان از شدیدترین ضمانت‌اجراهای موجود استفاده کند (Mousavi, 2012).

اما در پاره‌ای موارد، قصاص امکان‌پذیر نیست، یا این‌که جرم، غیرعمدی یا خطایی است و در این حالت، جانی یا عاقله مکلف به پرداخت دیه است. حال باید دید در این مقوله نیز مانند «قصاص» عقاید دینی سبب عدم تساوی در

مجازات می‌شود و اگر این چنین است، تفاوتی بین اصناف کفار وجود دارد یا خیر؟ قانون مجازات اسلامی تا قبل از مصوبه مورخه ۱۳۸۲/۳/۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره این مسئله ساکت بود و صرفاً در ماده ۲۹۷ به بیان انواع دیه قتل مرد مسلمان اشاره شده بود. وصف اسلام در این ماده سبب شد عقاید متفاوتی در خصوص دیه اقلیت‌های دینی ابراز شود.

سرانجام، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت به این مباحث خاتمه داد و ضمن تبصره الحاقی به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی بیان کرد: بر اساس نظر حکومتی ولی امر، دیه اقلیت‌هایی دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمانان تعیین می‌شود. اقلیت‌های دینی معروف در قانون اساسی، پیروان ادیان آسمانی (مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان) هستند. نباید پنداشت که حکم این تبصره ناظر بر اقلیت‌های دینی تبعه ایران است. در اینجا تابعیت مؤثر نیست و جهانگردان غیرمسلمانی که پیرو یکی از ادیان الهی مذکور در قانون اساسی هستند، صرف‌نظر از این‌که تبعه ایران یا غیر ایران باشند مشمول این تبصره هستند. اما هنوز در قانون مجازات اسلامی، دیه کفار غیرمی نامعلوم است. در این خصوص، بنابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، رجوع به منابع معتبر فقهی یا فتاوی معتبر ضروری است. فقهای بزرگ و صاحب نامی همچون محمد حسن نجفی در کتاب جواهر الکلام و حضرت آیت‌الله خویی در کتاب مبانی تکمله المنهاج، امام خمینی در تحریرالوسیله و شهید ثانی در شرح لمعه، به صراحت بر عدم تعلق دیه بر کفار غیر کتابی فتوا داده‌اند. علاوه بر این در مورد آن دسته از مسلمانانی که محکوم به کفر هستند، مانند ناصبی‌ها، خوارج و غلات چنین گفته‌اند: در صورتی که غلو آن‌ها به کفر برسد نیز از دیه بهره‌ای نمی‌برند (Nabokht & Prouz, 2009).

به عقیده برخی از فقها، کفار غیر کتابی مهدورالدم محسوب می‌شوند و خون آنان حرمتی ندارد. ۷۰ تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی در این راستا بیان می‌دارد: «در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشند و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعد معلوم شود که مجنی علیه مورد قصاص یا مهدورالهام نبوده است قتل به منزله خطای شبیه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند، قصاص و دیه از او ساقط است. وجود این ماده در جامعه‌ای که حاکم اسلامی وجود دارد و احکام این دین در تمام شئون کشور جاری و ساری است و احتمال سوء استفاده از آن و بروز بی‌نظمی و خدشه بر چهره اسلام و مسلمین وجود دارد، قابل دفاع نیست. اگر برای تعیین دیه جهانگردان کفار غیر کتابی مانع شرعی وجود دارد، لکن برای تعزیر کسانی که مرتکب جنایت در مورد این افراد می‌شوند، منعی وجود ندارد، از این حیث می‌توان بر مبنای مصلحت جامعه برای این‌گونه افراد مجازات تعزیری مشخصی تعیین کرد. اما در زمینه حقوق کیفری جهانگردان غیرمسلمان در بخش تعزیرات، به نظر می‌رسد با توجه به این‌که امنیت جانی، حیثیتی، مالی و آزادی این افراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و جرائمی همچون آدم‌ربایی و گروگان‌گیری، سرقت اموال و توهین در صدر سایر جرائم قرار دارند، می‌توان با بهره‌گیری از عناوین حقوقی «تشدید مجازات شخصی» و حذف عواملی که مانع «حتمیت مجازات» می‌شوند، ضریب امنیت کیفری جهانگردان غیرمسلمانان را افزایش داد (Alvani, 1994).

قانون آیین دادرسی کیفری، قانونی شکلی است؛ اما شکلی بودن این قانون به معنای کم اهمیت بودن آن نیست. بهترین الگو برای تعیین حدود آزادی‌های هر کشور مجموعه آیین دادرسی کیفری آن است. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ایران، مصوب سال ۱۳۷۸، ضوابط ویژه‌ای را برای رسیدگی به جرائم جهانگردان غیرمسلمان پیش‌بینی نکرده است؛ لکن می‌توان به تکمیل شدن این قانون در آینده نزدیک در زمینه حقوق جهانگردان امید داشت. در این خصوص توصیه می‌شود محدودیت‌های قانونی در زمینه کشف جرائم مراعات شود و ضابطان دادگستری که سربازان مقدم عدالت هستند، با التزام به رعایت حرمت اموال و آزادی اشخاص از محدودهای تعریف شده قانون تعدی نکنند. بی‌تردید ایجاد پلیس جهانگردی و گردشگری که عهده‌دار وظایف ضابطان دادگستری در خصوص جرائم جهانگردان است، گام مؤثری در جهت ارتقای حقوق کیفری جهانگردی محسوب می‌شود. از سوی دیگر در زمینه دفاع از اتهامات جهانگردان می‌توان نمایندگان حقوقی سفارتخانه‌های متبوع را به عنوان وکیل پذیرفت و جهت تسریع در رسیدگی به جرائم آنان (که البته تسریع مطابق با طبع اقامتگاه موقت جهانگردان است) اقدام مؤثری برای حسن دفاع از حقوق آنان صورت داد. البته این موارد نیاز به نص تصریح قانون دارد که در حال حاضر چنین قوانینی وضع نشده است (Kalantari, 1997). اکنون، سازمان ایران‌گردی و جهانگردی با مجموعه‌ای از قوانین ناقص و پراکنده عهده‌دار امور مربوط به گردشگری و جهانگردی است. البته ادغام این سازمان با سازمان میراث فرهنگی در آستانه تحقق است و اراده نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی در این زمینه اعلام شده است. به نظر می‌رسد ایجاد سازمان جهانگردی و میراث فرهنگی، گام بلندی در تحقق حقوق جهانگردان در ایران باشد که متأسفانه این امر هنوز محقق نشده است. البته شناسایی و حرمت حقوق جهانگردان به سازمان یا اداره خاصی مربوط نیست؛ بلکه تمامی مردم و دستگاه‌های دولتی و عمومی به نحوی با آن ارتباط دارند؛ به دیگر سخن، مجموعه گسترده‌ای از ادارات و اجزای دولت از خارج گرفته تا داخل و مبادی ورودی و خروجی، با جهانگردان در ارتباط هستند؛ برای مثال در حال حاضر بر اساس قوانین موجود، سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور موظف‌اند تسهیلات و خدمات صدور روادید سیاحتی را برای اتباع کشورهای مختلف جهان که دارای مناسبات سیاسی با ایران هستند، حداکثر ظرف ده روز فراهم کنند. علاوه بر این، ادارات گذرنامه، گمرک، فرودگاه، راه‌آهن، بندرهای مستقر در مبادی ورودی و خروجی مرزها و همچنین شهرها موظف‌اند تسهیلات لازم را برای جهانگردان فراهم کنند. جهانگردان در بدو ورود به کشور دارای حق وارد کردن اموال شخصی و برخی اقلام مرتبط به سفر هستند و به هنگام خروج از کشور نیز از حق خارج ساختن صنایع دستی و آلات موسیقی ایرانی و خاویار برخوردارند. با این همه باید گفت قوانین ما در این زمینه نارساست و تصویب قانون جامع جهانگردی که در بردارنده ابعاد گوناگون حقوقی مربوط به حقوق جهانگردی در ایران باشد، احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

گردشگری مدرن می‌تواند جوامع انسانی را گرفتار مخمصه‌های اخلاقی مهمی کند. اخلاق گردشگری صرفاً به کدهای اخلاقی محدود نمی‌شود، بلکه عبارت است از کنش‌های گردشگر در مجموعه نظام‌مندی از جامعه و طبیعت. با این تعریف، کنشی اخلاقی محسوب می‌شود که روابط سامانمند جامعه و اکولوژی مقصد گردشگری را

مخدوش نکند، شأن و شرافت انسان‌ها را فارغ از نژاد، جنسیت و سن محترم بشمارد و در توسعه پایدار مقصد گردشگری تأثیر مثبتی داشته باشد. درحالی‌که گردشگری مدرن صرفاً در جست‌وجوی سود بیشتر است و به جنبه‌های اخلاقی آن توجه چندانی ندارد. به این ترتیب، شاهد مناطقی هستیم که گردشگری مدرن در آن‌ها شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرده است، به ناهنجاری‌های اجتماعی دامن زده است، گونه‌های جانوری و گیاهی نادر را در معرض انقراض قرار داده است، منابع آب زیرزمینی و سطحی را نابخردانه مصرف یا آلوده کرده است و....

همه این‌ها به پارادایم گردشگری مدرن برمی‌گردد؛ پارادایمی که مقصد گردشگری را صرفاً جایی برای خوش گذراندن می‌بیند و ساکنان آن را به‌منزلهٔ مردمانی که با ما فرق دارند در نظر می‌گیرد. مفهوم «دیگری» شکاف شناختی میان گردشگر و مقصد گردشگری ایجاد می‌کند که می‌تواند تبعات اخلاقی دهشتناکی به همراه داشته باشد. شاید بتوان به نسخهٔ جدیدی از گردشگری دست‌یافت که گردشگران را به شناخت لایه‌های عمیق‌تری از جامعه و طبیعت مقصد گردشگری دعوت می‌کند؛ نسخهٔ جدیدی که باور دارد همهٔ انسان‌ها روی یک سیاره کوچک و شکننده زندگی می‌کنند و هر آسیب زیست محیطی در مقصد گردشگری به زیان همه تمام می‌شود؛ نسخهٔ جدیدی که ریشه در برابری انسان‌ها دارد و نژاد و جنسیت و مذهب و سن را برنمی‌تابد و حس تفاوت، نفرت و حسادت را در مقصد گردشگری برنمی‌انگیزد. این نسخهٔ جدید گردشگری را شاید بتوان با عناوین گردشگری پایدار یا گردشگری مسئولانه معرفی کرد که گردشگری را در ارتباطی نظام‌مند با اکولوژی انسانی و طبیعی به رسمیت می‌شناسد. برای صورت‌بندی این گونه گردشگری لازم است ساختارهای طبیعی و انسانی جامعهٔ میزبان به دقت مطالعه و تأثیر گردشگری در زمینه‌های مختلف بررسی شود. البته در زمینه گردشگری و محیط زیست جریان‌های جدیدی آغاز شده است که می‌توان ادامهٔ آن را به فال نیک گرفت؛ مثلاً اصول برنامهٔ محیطی سازمان ملل متحد دربارهٔ ایجاد گردشگری جهانی پایدار از همین اقدامات است که می‌تواند آغازگر فصل جدیدی در گردشگری تلقی شود. به جز برنامه‌های بین‌المللی، اقدامات ملی و منطقه‌ای نیز می‌تواند زمینه‌ساز ظهور نسخهٔ جدیدی از گردشگری باشد که در تعامل احترام‌آمیز با طبیعت و انسان به رشد جوامع بشری یاری می‌رساند.

قدمت و تمدن ایرانی، اکو توریسم مناسب و منحصر به فرد، وجود فرقه‌ها و مذاهب مختلف و هزینه‌های کم گردشگری در ایران از مهم‌ترین فرصت‌ها و پتانسیل‌های گردشگری در این کشور است. هم چنین وجود محدودیت‌های سیاسی و برنامه‌ریزی، اتکای بیش‌ازحد به درآمدهای نفتی، محدودیت‌های زیربنایی و متمرکز شدن صنایع و خدمات در چند شهر بزرگ، محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی، محدودیت‌های مرتبط با تبلیغات و رسانه و محدودیت در زمینه آموزش از جمله مهم‌ترین چالش‌ها و محدودیت‌های صنعت گردشگری در ایران است.

ایران مانند بسیاری از کشورهای درحالی‌که توسعه دیگر، با معضلات شدید اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مثل نرخ بالای بیکاری، رشد سریع در سن کار جمعیت، تورم و غیره مواجه است. توسعه صنعت گردشگری با توجه به مزیت‌های مناسبی که در زمینه‌های اقتصادی، رونق کسب‌وکار، ایجاد اشتغال، بهبود وضعیت زندگی، ارتقاء انسجام اجتماعی و اشتراک فرهنگی دارد، می‌تواند به کاهش معضلات شدید اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کمک کند. با توجه به اهمیت نقش صنعت گردشگری در کاهش معضلات و مشکلات مختلف در

کشورها، برنامه‌ریزی و توسعه برای ارتقاء صنعت گردشگری در ایران عموماً به دلیل اتکای بیش‌ازحد و بی‌دردسر به درآمدهای نفتی در حاشیه قرار گرفته است. هم چنین طرح‌های توسعه گردشگری در ایران، بیشتر بر روی تعداد گردشگری خارجی به ایران تمرکز می‌کنند و کمتر به عوامل مؤثر بر ورود این نوع گردشگر مثل توسعه زیرساختی، سیاست‌های کلی حکومت‌ها، رسانه و تبلیغات و شرایط سیاسی-اجتماعی حاکم بر جامعه توجه می‌کنند. به‌طورکلی توسعه پایدار گردشگری در ایران دارای نواقص مثل: الف) فقدان جامعیت و یکپارچه‌سازی، ب) عدم هماهنگی بین و در میان نهادهای مرتبط، ج) عدم تمرکززدایی همراه با تمایل به استفاده از منافع حکومت مرکزی و د) فقدان چشم‌انداز محلی است. درنهایت، برای توسعه گردشگری در ایران، اتخاذ یک چشم‌انداز جامع با توجه به هر دو سطح خرد و کلان پیشنهاد می‌شود. در سطح کلان، باید به بالا بردن اولویت توسعه گردشگری در درازمدت، سیاست‌های توسعه ملی، توجه بیشتر به برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت و بهبود زیرساخت‌های موردنیاز برای توسعه گردشگری، توانمندسازی مسئولان محلی به منظور اجتناب از بوروکراسی و سرمایه‌گذاری، توجه بیشتری شود. هم چنین در سطح خرد، جوامع محلی باید در تصمیم‌گیری برای منطقه خود مشارکت بیشتری داشته باشند، آگاهی آن‌ها از اثرات مثبت و منفی گردشگری (از طریق رسانه‌های جمعی، آموزش و پرورش، کارگاه‌ها و غیره) افزایش یابد. هم چنین مردم فرصت بالا بردن صدای خود را، در صورت نیاز، از طریق تقویت نهادهای مدنی داشته باشند.

گردشگری^۱ پدیده‌ای است که از زمان‌های بسیار دور، در بین انسان‌ها وجود داشته و این پدیده کم‌کم رواج داشته تا امروز با توجه به تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت کنونی رسیده است. ایران یکی از ده کانون مهم شکل‌گیری تمدن بشری در جهان بوده است و نخستین آثار مدنیت که در این سرزمین کشف شده، به هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد مسیح تعلق دارد. چنان‌که ورود آریایی‌ها در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد به این کشور و حکومت عیلامی‌ها، مادها، هخامنشیان، ساسانیان و ... حکایت از ایجاد تمدن پربار و دیرینه در این سرزمین دارد. در عین حال این کشور در طی دوره‌های مختلف مورد توجه بسیاری از افراد بوده که به منظورهای خاصی از تجارت و دادوستد، تفریحی، فرهنگی و ... به آن مسافرت می‌کرده‌اند و همین‌طور وجود رسوم مختلف در این کشور از جمله پناه بردن به طبیعت در ایام مختلف سال به صورت دسته‌جمعی و گروهی نشان از وجود روحیه‌ی گردش و تفریح را در بین مردم این سرزمین داشته است.

بنابراین هرچند مطالعات و تحقیقات انجام‌شده در زمینه‌ی گردشگری و مسافرت و شیوه و قوانین مربوط به آن در ایران باستان و حتی در ایران پس از اسلام بسیار اندک است، ولی آنچه مسلم است اینکه در ایران قبل از اسلام و حتی قبل از ورود آریایی‌ها به این سرزمین، مسافر و جهانگرد دارای حقوق و امتیازات ویژه‌ای بود که در حکومت‌های مختلف در شکل‌های مدنی هر دوره حدود و میزان آن یکسان و مشابه نبوده است، بلکه با توجه به انگیزه و هدف مسافر یا جهانگرد، آن حقوق و حدود آن تعیین و اجرا می‌شده است. علاوه بر این ایران به دلیل

^۱. Tourism

موقعیت جغرافیایی خاص و وجود فرهنگ و آداب و رسوم، آثار تاریخی، هنری و میراث فرهنگی خود به طور قطع برای جهانگردان و گردشگران عهد قدیم بهترین مقصد محسوب می‌شده است.

درواقع در مورد مسافرت به نواحی روستایی در این زمان (ایران باستان) تحقیقات و مطالعات، بسیار اندک است و اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی با توجه به آداب و رسوم ایرانیان و وجود اکثریت جمعیت در مناطق روستایی می‌توان گفت که گردشگری روستایی در ایران از زمان شکل‌گیری تمدن‌های بزرگ و ایجاد شهرها شکل گرفته و گردشگران در این زمان به منظور خاصی به این نواحی سفر می‌کرده‌اند. در ایران پس از اسلام، با توجه به سابقه‌ی زندگی مدنی و تجربیات حاصل از حسن خلق و رفتارهای موجود نزد ایرانیان که از گذشته‌های کهن باقی مانده و همچنین فرهنگ خاص ایرانیان که با میهمان‌نوازی‌های خاص شرقیان توأم بوده و به ویژه در پرتوی اجرای آیات قرآن و احکام اسلامی، گردشگری رونق بیشتری یافته و با ایجاد تأسیسات جدید رفاهی و درمانی، ایجاد مهمانسراها و محل‌های پذیرایی از میهمان به طریق وقف باعث شد تا گردشگری در ایران به مرحله‌ی تازه‌ای برسد که در سفرنامه‌ها و یادداشت‌های سیاحان متعدد و مشهور اعم از ایرانی و خارجی به نیکی یادشده است.

لازم به ذکر است که در دوره‌ی بعد از اسلام، قرآن مجید، نهج‌البلاغه، روایات و احادیث امامان و بزرگان دین به انحاء گوناگون مسلمانان را به گردشگری و گردشگری تشویق و ترغیب نموده‌اند. چنانکه از دیدگاه اسلام گردشگری و سیر و سیاحت رشد و تعالی انسانی را به دنبال خواهد داشت که قبلاً ذکر کردیم؛ بنابراین اسلام ضمن تشویق و تأکید بر گردشگری و سیاحت به فواید معیشتی و بهره‌مندی از نعم انبوه خداوندی اشاره می‌نماید و معتقد است که گردشگری با همه‌ی اثرات و فواید معیشتی و دنیوی، هیچ‌گاه فی‌نفسه ناقض جنبه‌های اخلاقی، عبادی و سازندگی نفس و هدف‌های فراتر از خاک و خدامحوری نبوده، بلکه تمام سفرها تمهیدی است برای سفر به سوی خداوند و صعود به دارالقرار. در زمینه‌ی اهمیت سیر و سیاحت در اسلام و قرآن همین بس که تعداد ۲۹ آیه از ۲۴ سوره‌ی قرآن کریم به این امر اختصاص دارد که در هفت آیه‌ی اول صراحتاً به عنوان سیروا فی الارض و در هفت آیه دیگر عنوان أفلم یسیروا فی الارض بیان شده است.

References

- Abbaszadeh Grossi, Mania (2007), What is a Crime and Who is a Criminal?, Journal of Correction, No. 65 (4 pages - from 9 to 12)
- Alvani, Seyyed Mahdi (1994), Mechanisms for Sustainable Development of Geoangardi, Summary of Selected Papers of the Second Iranian Geo-Geological Culture and Development Summit, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran.
- Das Weil, Roger (2005), Tourism Management, Translated by Seyyed Mohammad Arabi and Davood Izadi, Publication of the Office for Cultural Research, Third Edition, Tehran.
- Dinari, Ahmad (2005), Urban Tourism in Iran Wisdom, Micro Vocabulary Publishing.
- Gharehnejad, Hassan (2009), Tourism Industry and its Economic Analysis, Islamic Azad University Press, Najaf Abad Branch, First Edition, Isfahan.
- Heidari Chineh, Rahim (2010), Fundamentals of Tourism Industry Planning, Tehran: Post Publication.
- Jafari Samimi, Ahmad and Expert, Shima (2013). The Impact of Tourism on Human Development, Journal of Tourism Planning and Development, Vol. 2, No. 7: 24-11.
- Jahanian, Manoochehr, and Zahra Nadali Poury (2009), Management of Departures and Definitions, Nature and Components, Jihad-e-Academic Press, First Edition, Tehran.
- Jalalian, Hamid and others (2010), The role of tourism in the process of cultural convergence, International Conference of Geographers.

- Kalantari, Ali Akbar (1997), Jurisprudence and Tourism Industry, Jurisprudence Magazine, S1, Tehran, pp. 1-6.
- Kazemi, Mehdi (2008): Tourism Management, Sem Publications, Chap Third, Tehran.
- Mazzinani, Mohammad Sadegh (1997), Women and Tourism Restrictions, Jurisprudence Magazine, S1, Tehran, pp. 1-6.
- Mesgarnejad, Jalil (1994), Traveling and Traveling in Islamic Culture, Summary of Selected Proceedings of the Second Iranian Tourism Conference on Culture and Development, Ministry of Islamic Culture and Guidance, Tehran.
- Mohseni, R. AS. (1388). Sustainable Tourism in Iran: Functions, Challenges and Strategies. space Geographical. Ninth Year, No. 28, pp. 171-149.
- Mokhlesi, Abbas (1997), traveled with non-Muslim geographers, Magjala Jurisprudence, Shah, Tehran, pp. 1-8.
- Mousavi Khomeini, Ruhollah (1404): Tahrir al-Suwilah, Volume II, Al-Nusra Institute of Islam, Qom.
- Mousavi, Seyyed Zahra (2012), Tourism Ethics, Ethics, The New Spring Period, p.
- Nubokht, Mohammad Bagher, Pirouz, Elham (2009), Development of Tourism Industry (Barriers and Solutions), Research Deputy of Islamic Azad University - Bureau of Science Production Development.
- Papeli Yazdi, Mohammad Hossein-Saghaei, Mehdi (2006), Tourism (Nature and Concepts), Post Publications.
- Rahimpour, Ali and Seyyed Davood Mousavi (2000), Islamic Tourism Agency, Mahia Publishing, First Edition, Tehran.
- Ranjbarian, Mohammad Ibrahim, Zahedi, Mohammad (2007), Tourism Industry Services, Chahar Bagh Publications, Isfahan.
- Rezvani, Ali Asghar (2007), Geography and Tourism Industry, Payam Noor University Press, Seventh Edition, Tehran.
- Salehi, Sadegh; Mirmohammadabad, Seyed Ahmad and Sohrabi, Maryam (2014), Sociological Explanation of Tourism Impact on Crime Rate in Mazandaran Province, Law Enforcement, 16, No. 4: 102-81.
- Sawaqeb, Jahanbakhsh, and Mohammad Javad Rahmani (2006): Traveling in the Quran, Majid, Publications of the Bookstore Institute of Islamic Publishing, Islamic Studies Department, First Edition, Qom.
- Seifaei, Mahsa (2005), Utility Use of Public Spaces with Emphasis on Corporate Planning, Thesis Master of Urban Planning, Tehran: Tarbiat Modarres University.
- Tonekaboni, Farid and Morteza, al-Hadith (1998): A Narrative Narrative of the Ahlul-Bayt School, 11th Edition, Volume II, The Office of Islamic Folklore, Tehran.
- Varesei, Hamid Reza and Rasool Heidari (2010), The Role of Islamic Tourism in the Convergence of Islamic Countries, Proceedings of the Fourth International Congress of Islamic Geographers, Zahedan.

Internet resources

- <http://www.mapsopensource.com>
<https://www.mapsofworld.com>
<https://link.springer.com>